

تحلیل باستان‌شناسی سیر تحول واژگان تاریخ و آرکیولوژی در جوامع آسیای غربی و یونان

اکبر پورفرج^۱

(تاریخ ارسال: ۱۳۹۵/۰۸/۰۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۰۶)

چکیده

زبان همواره به‌عنوان پدیده‌ای مهم در حوزه علوم انسانی مطرح بوده و خود بخشی از تحقیقات علوم اجتماعی و انسانی مانند جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، زبان‌شناسی، تاریخ و باستان‌شناسی قرار گرفته است. تحقیقاتی در مورد ریشه‌شناسی و چگونگی ظهور کلمه «تاریخ» در منابع و متون تاریخی آسیای غربی و یونان انجام گرفته است. از آنجائی که کلمه آرکیولوژی یونانی با کلمه تاریخ شباهت ساختاری دارد، موجب ایجاد فرضیه‌هایی در این زمینه شده است. برخی ریشه این کلمات را در زبان‌های سامی و برخی دیگر در زبان‌های ایرانی و یونانی بیان کرده‌اند، ولی همه محققین در مورد منشاء اصلی آنها ابراز تردید کرده‌اند. این تحقیق با تکیه بر بستر تاریخی واژه تاریخ به‌خصوص در جوامع سومر و عیلام، منشاء این واژه را در شهر اوروک و حوادث اجتماعی-سیاسی آن جستجو کرده و آن را با ارخ یادشده در تورات مطابقت داده است. براساس یافته‌های تحقیق، نه تنها واژه یادشده بلکه کلیت و شاکله میراث تمدنی سومر و عیلام در جوامع ایرانی از طریق هخامنشیان، در جوامع عرب زبان از طریق اکدها، و در جوامع یونانی از طریق اسکندر و سلوکیان حفاظت شده و تا به امروز دوام آورده است.

کلیدواژگان: ریشه‌شناسی، واژه، کلمه، تاریخ، آرکیولوژی، اوروک.

۱. مقدمه

امروزه باستان‌شناسی اجتماعی، جایگاه خاصی در مطالعات جوامع باستانی پیدا کرده‌است. در باستان‌شناسی اجتماعی درک جوامع گذشته برحسب بافت اجتماعی و تجارب آن‌ها بسیار مورد تأکید است. در واقع، نظریه اجتماعی در اتصال علوم زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی و باستان‌شناسی نقش مهمی داشته است (مسکل، ۱۳۹۰). یکی از مفاهیم مورد بحث در میان این علوم، مسئله اشاعه فرهنگی و قواعد حاکم بر نوع اشاعه است (عسگری خانقاه، ۱۳۸۰). اشاعه فرهنگی معمولاً در تمامی ابعاد یک فرهنگ اتفاق می‌افتد که وام‌گیری کلمات و سایر تأثیر و تأثرهای زبانی نیز از آن جمله است. کلمات نیز همچون سایر مصنوعات بشری سیر تحول معنی‌داری در طول تاریخ داشته‌اند که بسته به میزان توسعه‌یافتگی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و نحوه ارتباطات آن‌ها با سایر ملل اشاعه یافته‌اند. براساس یافته‌های انسان‌شناسی و باستان‌شناسی، جوامعی که در مرحله دسته‌ای و قبیله‌ای طبقه‌بندی می‌شوند و هنوز به مرحله خان‌سالاری و شهرنشینی (تمدن) نرسیده‌اند، فاقد کلمات تمدنی چون خط، کوره، طاق و گنبد و غیره هستند. برای مثال مردمان قاره‌ای چون اقیانوسیه تا قبل از ظهور فرهنگ غربی در قرن هجدهم، بسیاری از مفاهیم و واژگان یکجانشینی و شهرنشینی را در ادبیات‌شان نداشته‌اند. لذا خلق واژگان تا قبل از ظهور افکار ناسیونالیستی، با نیازهای بشری و میزان توسعه‌یافتگی جوامع رابطه معنی‌داری داشته است. انتشار یک محصول و یا فکر و ایده، توأم با قواعد و زبان حاکم بر آن بوده‌است. برخی محققان در مورد این‌که چگونه ذهن جهان را درک می‌کند و بر رفتار انسان تأثیر می‌گذارد به مسئله حوزویت ذهن^۱ اشاره کرده‌اند (میتن، ۲۸۲-۲۷۵:۱۳۹۰) که مفهومی مهم در مطالعات روان‌شناختی، فلسفی و عصب‌شناختی ذهن بشر است. لذا در درک زبان‌شناسی تاریخی و انتشار یک کلمه از فرهنگی به فرهنگ دیگر نیز می‌توان از مفهوم فوق استفاده نمود.

حوزویت ذهن ایده‌ای است که طبق آن، ذهن بشر به صورت مجموعه‌ای متشکل از حوزه‌های مجزا در نظر گرفته می‌شود که هر یک از آنها تا حدودی مستقل عمل می‌کنند و احتمالاً هر یک دارای تاریخ تکاملی مربوط به خود هستند که در طول تاریخ با توجه به میزان توسعه‌یافتگی بسترهای فرهنگی، حوزه‌های خاصی در ذهن تعریف شده است. زبان یک مثال

کلاسیک از این مسئله است که کلمات نیز از ارکان مهم آن هستند (میتن، ۱۳۹۰). در رابطه با موضوع مقاله که به دنبال سیر تاریخی واژه‌ای از انقلاب شهرنشینی تا به امروز است، مسئله حوزویت ذهن جهت درک موقعیت تاریخی کلمه تاریخ بسیار اهمیت دارد؛ بنابراین احتمالاً اختراع خط در ۳۲۰۰ سال ق.م به ایجاد انواع جدید شبکه‌های عصبی در مغز مردمان آن دوره منجر شده است که وجود چنین حوزه‌هایی، مردمان جوامع آسیای غربی را برای انواع دیگر اختراعات و نوآوری‌های فرهنگی همچون اختراع چرخ، آلیاژ مفرغ و... کمک کرده است. این‌که نظریه یادشده تا چه حد صحت داشته باشد از موضوع این مقاله خارج است، ولی در انقلاب دوم یعنی انقلاب شهرنشینی (چایلد، ۱۹۳۶) ایده‌ها و مفاهیمی در تمدن‌های بشری شکل گرفتند که تا به آن روز بی‌سابقه بوده است. از آنجائی که این مقاله منشاء کلمات تاریخ و آرکیولوژی^۱ (باستان‌شناسی) را در انقلاب شهرنشینی خاور نزدیک متصور شده‌است لذا در ذیل به‌طور مختصر به انقلابات مشهور گوردون چایلد، اشاره خواهد شد و بعد از آن به ریشه‌یابی کلمه تاریخ در بستر فوق پرداخته خواهد شد.

چایلد (۱۹۳۶) در مراحل توسعه اجتماعی و اقتصادی تمام بشریت، سه انقلاب شناسایی کرد که شامل انقلاب تولید غذا (انقلاب نوسنگی)، انقلاب شهرنشینی (عصر مفرغ) و انقلاب صنعتی است. این مقاله به دنبال درک اهمیت و تأثیرات فراوان انقلاب دوم در جوامع آسیای غربی است که به دلیل ناشناخته ماندن این انقلاب تأثیر گذار، بسیاری از واژه‌شناسی‌ها و حتی منشاء ابداعات و اختراعات جوامع امروزی به‌صورت ناقص و عقیم مورد مطالعه قرار گرفته است. امروزه واژه تاریخ یکی از مفاهیم مهم علوم انسانی و به‌نوعی بخش جدائی‌ناپذیر تمام علوم شده است. از تاریخ صنعت تا تاریخ طبیعت همه موضوع علم تاریخ است و رشته‌هایی چون آینده‌نگری اساساً وابسته به همین مفهوم هستند که درک ریشه و منشاء این واژه، نقش بسیار حیاتی در تبیین فرهنگ‌های آسیای غربی به مرکزیت ایران دارد. نگارنده به تبعیت از انسان‌شناسانی چون مالینوفسکی هر فرهنگ را به صورت مجموعه‌ای کامل و یکپارچه می‌داند که تمام بخش‌های آن با یکدیگر رابطه مستقیمی دارند (جهان، ۱۳۸۲: ۱۵۷). در نظام اعتقادی بشر، کلام همیشه جایگاه خاص خود را داشته‌است و شاید بشر تنها خالق بی‌واسطه همین

^۱ Archaeology

تحلیل باستان‌شناسی سیر تحول واژگان تاریخ... _____ اکبر پورفرج

واژگانی باشد که بین او و طبیعت ارتباط سمبلیک ایجاد کرده و انسان را بیش از آن‌که حیوانی ناطق کند، موجودی نمادین کرده و او را از جهان طبیعی متمایز ساخته است. تحقیقات انجام شده در خصوص ریشه‌شناسی واژه تاریخ و نحوه انتشار آن در جوامع مختلف منجر به رفع ابهام و فهم منشاء آن نشده است (ر.ک. تکمیل همایون، ۱۳۶۶).

۲. روش تحقیق

این تحقیق به نوعی مرتبط با مطالعات میان رشته‌ای است که در آن داده‌های علمی چون زبان‌شناسی، انسان‌شناسی و باستان‌شناسی در راستای یک مفهوم، مورد توصیف و تحلیل قرار گرفته است و به لحاظ ماهیت از نوع تحقیقات تاریخی است که به صورت موردی سیر تحول یک کلمه یا مفهوم ادبی و علمی را در بستر تاریخ چندین جامعه بشری مطالعه کرده و از طریق شواهد و مدارک باستان‌شناسی و انسان‌شناسی آن‌را مورد مقایسه و تحلیل قرار داده است.

انقلاب شهرنشینی به عنوان منشاء خلق کلمه تاریخ

امروزه کلمات زیادی مانند اور^۱ به معنای شهر (البته در جنوب شرق آسیا به معنای روستا)، ادب یا ادوبا به معنای ادبیات (کتابخانه) و... (وایت هاوس، ۱۳۶۹؛ استارآستین، ۲۰۰۲) در تمامی فرهنگ‌های اروپایی و آسیایی وجود دارد که منشاء و پیشینه توزیع آن‌ها در حاله‌ای از ابهام قرار گرفته است. در حالی که منابع سومری-عیلامی در حدود هزاره سوم ق.م همه آن‌ها را ثبت کرده‌اند. نگارنده معتقد است که عدم درک دو تحول انقلاب‌گونه خاورمیانه موجب شده است که بیشتر آیین‌ها، آداب و رسوم، هنرها و حتی منشاء ادبیات خاور نزدیک به درستی تبیین نشود و زبان‌شناسی تاریخی واژگان را تا نیمه تاریخ دنبال نماید. چنانچه گوردون چایلد (۱۹۳۶) اشاره می‌کند پایه‌های تمدنی امروزی مربوط به سه تحول انقلاب‌گونه یا همان سه انقلاب اجتماعی و اقتصادی بود که با عنوان انقلاب تولید غذا (یا نوسنگی)^۲، انقلاب

^۱Ur

شهرنشینی؛ انقلاب صنعتی^۵ معرفی شدند. انقلاب اول و انقلاب دوم در آسیای غربی به مرکزیت ایران اتفاق افتاده و با نام اقوامی چون سومر و عیلام گره خورده‌است (ر.ک. کرافورد، ۱۳۸۷؛ پاتس، ۱۳۸۵). طی انقلاب شهرنشینی برای اولین بار بشر توانست جوامع پیچیده را ایجاد، و سلسه مراتب خاصی را در تمام شئون زندگی اجتماعی برقرار نموده و نهادهای اجتماعی جدیدی را مانند نهاد آموزش و پرورش و غیره دایر نماید. این جنبش فکری- اجتماعی بزرگ، اولین بار در منطقه منالابه مرکزیت ایران و بین‌النهرین اتفاق افتاد و تمدن‌هایی چون یونان از طریق اشاعه وارد این جرگه شده‌اند (بوترو، ۲۰۰۱). هرچند بیان مشخصات این تمدن‌ها در این مقاله میسر نیست، ولی می‌توان به دو شهر مهم انقلاب شهرنشینی جهان اشاره کرد. یکی از آن‌ها شوش در جنوب غرب ایران و دیگری اوروک یا همان ارخ در جنوب عراق یا بین‌النهرین است. در این مقاله ریشه‌شناسی اوروک و تاریخ این شهر مهم محور تحقیق است. اوروک از مهم‌ترین شهرهای انقلاب شهرنشینی بود که از آغاز تا زمان متروکه شدنش در ظهور و توسعه تمدن‌های بشری نقش داشته است. مطابق اسناد باستان‌شناسی، ابداع خط و کتابت تمام مراحل ظهور و بروز خود را در این شهر طی کرده است. اطلاعات ما نسبت به ادبیات آن دوران با حفاری‌های باستان‌شناسی و قرائت کتیبه‌ها افزایش یافته است (ناردو، ۲۰۰۷). امروزه بسیاری از محققین انقلاب شهرنشینی را مقدمه انقلاب صنعتی می‌دانند که طی آن بشر توانست بسیاری از تجربیات گذشته خود را مکتوب نموده و آغازگر واقعی تاریخ اقوام مختلف شود. این مسئله زمانی اهمیت می‌یابد که بدانیم انتشار تمدن در جهان از طریق تمدن سومر- عیلام انجام گرفته است و وارثین تمدن سومر و عیلام با وجود متفاوت بودن زبان و نژادشان به ترتیب زمانی سامیان یعنی اکدها در بین‌النهرین و هخامنشیان در ایران بوده‌اند. اکثر انسان‌شناسان و محققین زبان‌شناسی در کشورمان چه در ریشه‌شناسی واژگان و چه در شناخت مفاهیم فرهنگی دیگر به لایه تمدن‌های انقلاب شهرنشینی نفوذ نمی‌کنند و در ریشه‌های عربی، پارسی و لاتین تحقیقات خود را محدود می‌کنند، در حالی که حفاری‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهند که بیشتر مفاهیم، اختراعات و ابداعات بشری تا قبل از انقلاب صنعتی، ریشه در انقلاب شهرنشینی داشته‌اند (بوترو و ورنانت، ۲۰۰۰) که در این مقاله به یکی از این مفاهیم پرداخته خواهد شد.

۳. نگاهی به ریشه‌شناسی واژه تاریخ

درک منشاء و معانی واژه تاریخ برای بسیاری از محققین ارزشمند بوده است (ر.ک. آئینه‌وند، ۱۳۶۴؛ روزنتال، ۱۳۶۵). محققان بیان کرده‌اند که واژه تاریخ در قرآن کریم و همان‌طور در منابع اسلامی تا قرن دوم هجری ذکر نشده است. واژه تاریخ علاوه بر مفهوم رایج آن، در قالب معانی چون «بیان یک امر» و «تعیین وقت» به کار رفته است. چنان‌چه آمده است: «أَرَّخَ الْكِتَابَ لِيَوْمِ كَذَا» یعنی کتاب را برای فلان روز نوشت. در معنای تاریخ، ایجاد شی جدید نیز آمده است (تکمیل همایون، ۱۳۶۶: ۵۱)؛ بنابراین تاریخ بیشتر مفهوم مشخص کردن زمان مکتوبات را داشته که در معاملات، تحریر کتاب و غیره بیشتر کاربرد داشته است.

محققین ریشه واژه تاریخ را از «ارخ» به کسر یا فتح الف بر وزن تفعیل بیان کرده‌اند. در مورد این‌که تاریخ مربوط به کدام خانواده زبانی است، نظرات مختلفی بیان شده است که نگارنده ضمن ادغام برخی از نظراتی که در خانواده زبان‌های سامی مثل عربی و اکدی و غیره وجود داشت، آنها را به سه گروه فارسی، عربی و یونانی تقسیم کرده است. از نظر نگارنده عدم ذکر کلمه تاریخ در قرآن کریم، احتمالاً به خاطر تفاوت معنایی آن با مفهوم امروزی تاریخ است، چرا که در قرآن کریم قصص به معنای داستان زندگی گذشتگان است که با بیان زمان دقیق و توالی وقایع متفاوت است. در قرآن کریم کلیت و مباحث عبرت‌آمیز حوادث بیان شده و توالی تاریخی مد نظر نبوده است.

اکثر صاحب‌نظران ریشه تاریخ را اکدی، عربی و عبری دانسته‌اند، از آنجائی که این زبان‌ها از لحاظ جغرافیای تاریخی و زبانی در خانواده زبان‌های سامی (ر.ک. آراتو، ۱۳۸۴: ۵۶) قرار می‌گیرند، به‌طور موردی به برخی از منابع آنها اشاره خواهد شد. چنان‌چه بیان شد به دلیل وجود وقفه‌های فرهنگی بین انقلاب شهرنشینی و فرهنگ‌های بعد از آن بسیاری از واژگان علمی آن دوره به درستی تبیین نشده است.

روزنتال (۱۳۶۵: ۱۹) در مقایسه با واژه یونانی ایستوری^۷ که از نگاه وی در دوره کلاسیک هلنی مورد استفاده بوده، کاربرد کلمه تاریخ را جدیدتر فرض کرده و بیان می‌کند که واژه تاریخ اولین بار در منابع قرن دوم هجری دیده شده و از قرن سوم به بعد کاربرد آن رایج گردیده است. به اعتقاد وی، واژه «خبر» که در ذهن تاریخ را متبادر می‌کند، از ریشه اکدی

«خَبارو» به معنای شلوغ و جنجال برپا کردن نمی‌تواند باشد. روزنتال در مورد واژه تاریخ احتمال می‌دهد که از لحاظ ریشه‌شناسی (علم اشتقاق) از واژه سامی شهر (ماه) مشتق شده است که در اکدی به صورت آرخو، عبری به صورت یَرخ، آرامی به صورت یَرخ، در زبان اعراب جنوبی به صورت وَرخ و در حبشی به صورت وَرخ تلفظ می‌شود. روزنتال فرض اینکه تاریخ به‌طور مستقیم از ریشه ارخوی (urhu) اکدی منشعب شده باشد را بعید می‌داند و منشاء آن را بیشتر در زبان‌های عربی جنوبی جستجو کرده است ولی وجود ریشه مشترک با زبان‌های عربی شمالی (ادامه زبان اکدی) را نیز بعید نمی‌داند. البته در مورد رابطه معنایی تاریخ با ماه و حتی ستاره طارق کمتر تحقیق شده است چراکه ماه در زبان‌های اکدی منسوب به الهه سین است که اقتباس از الهه سومری ایننن یا همان الهه ماه بوده است و معبد این الهه در شهر «ارخ» واقع شده بود (ر.ک. بوترو، ۱۳۸۷: ۵۶). چنانچه مشخص است روزنتال تا دوره اکد پیش رفته و حتی واژه ارخو را هم بیان کرده است ولی به دلیل عدم توجه به سیر تحول بلامنقطع فرهنگ‌های آسیای غربی دچار تردید شده و شهر ارخ را دقیقاً با همان نام نادیده گرفته است. البته درباره ریشه و اشتقاق واژه تاریخ میان لغویان عرب نیز اختلاف نظر است. ابوسعید عبدالملک بن قریب اصمعی (متوفی ۲۱۳) آن را واژه‌ای عربی دانسته و گفته که قیسی‌ها (یکی از قبایل بزرگ عرب) مصدر آن را آرخ و تمیمی‌ها (دیگر قبیله بزرگ عرب) وَرخ می‌دانند، اما آرخ رایج شده است. جوهری (متوفی، ۳۹۸ یا ۴۰۰) ریشه آن را آرخ/ارخ (با فتح یا کسر همزه) به معنای گوساله گاو وحشی بیان کرده است. جوالیقی (متوفی ۵۳۹) نیز بر آن است که این واژه ریشه عربی ندارد و مسلمانان آن را از اهل کتاب گرفته‌اند (عودی، ۱۳۸۰: ۳۰۵۶).

واژه عبرانی یرح به معنای القمر و الشهر که مورد توجه برخی محققین قرار گرفته است (روزنتال، ۱۳۶۵)، خود بخشی از همان ریشه ارخ یا اوروک در این مقاله است. در زبان اکدی واژه ارکو، اراکتو و ورکا در معانی چون مرتفع، سپر دفاعی، گذشته، بازگشت به گذشته بسیار استفاده شده است.^۹ از ریشه ارخ در خاورمیانه واژگان زیادی منشعب شده‌اند که همگی تقریباً معنا و تلفظی مشابه دارند و بی‌ارتباط با واژه تاریخ نیستند ولی هنوز مورد توجه محققان قرار نگرفته‌اند. لغویان و محققان در حوزه زبان‌های سامی به این نتیجه رسیده‌اند که به احتمال قوی واژه تاریخ از ریشه آرخ یا وَرخ سامی در یمن است (مصطفی، ۱۹۸۳)، زیرا وَرخ (جمع

تحلیل باستان‌شناسی سیر تحول واژگان تاریخ... _____ اکبر پورفرج

آن: اُورخَم) در کتیبه‌های پیش از اسلام که در جنوب عربستان پیدا شده است به معنای ماه قمری به کار رفته است (عودی، ۱۳۸۰).

محققانی چون ابوریحان بیرونی اصل واژه تاریخ را فارسی و آن را معرب ماه- روز می‌دانند که اکثر محققان در درستی این مطلب تردید روا داشته‌اند (رک. تکمیل همایون، ۱۳۶۵؛ عودی، ۱۳۸۰). البته نظرات دیگری در مورد کلمه تاریخ وجود دارد ولی چون از جهات علمی برخوردار نبوده‌اند اشاره نشده است. برای مثال مرحوم میرزا آقاخان کرمانی آن را مأخوذ از تاریخ می‌داند که ملک شعرای بهار فرض مذکور را از تحقیقات بی‌اساس معرفی کرده است (تکمیل همایون، ۱۳۶۵: ۵۲).

برخی نیز واژه تاریخ را اقتباس از واژه یونانی آرخیو^۱ به معنای باستان دانسته‌اند که واژه ارکئولوژی به معنای باستان‌شناسی نیز از آن منشعب شده است. واژگانی چون ارخیو و حتی آرشیو^۱ همه از یک ریشه و به معنای قدیمی و بایگانی هستند. واژه ارخون در زبان یونان باستان به معنای حاکم و روحانی بزرگ بوده است.^۱ البته ارک به معنای قلعه و طاق هلالی نیز در زبان‌های یونانی و لاتین و تقریباً تمام ملت‌های خاورمیانه استفاده شده است. همین شباهت موجبات تفسیر اشتباه را فراهم آورده است به طوری که واژه اریکه به معنای تخت‌گاه را اقتباس از زبان یونانی بیان کرده‌اند (حسن‌دوست، ۱۳۷۵: ۸۷)، ولی باید توجه داشت که واژه ارخ قبل از تماس مسلمانان با یونانیان وجود داشته است. در بخش‌های دیگر مقاله اشاره خواهد شد که منشاء مورد نظر نگارنده برای ریشه تاریخ، شهر اوروک یا همان ارخ است که بعدها توسط یونانیان تسخیر شده و یونانیان در آرشیو تاریخی آن، هم آثار معماری و هم منابع مکتوب دارند و لذا آنها با شهر ارخ یا شهر تاریخ جهان غریبه نبوده‌اند ولی گسترش و توزیع این واژگان خیلی قبل از دوره هلنی رخ داده است (رک. پتری، ۲۰۰). در زبان ترکی نیز واژه‌هایی چون اوروق به معنای دودمان، سنت و آرخا به معنی عقب، پشت و گذشته (رک. لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۹۵) وجود دارد که تقریباً نزدیک به واژه تاریخ هستند.

^۱ Arkhaeo

۴. محوطه اوروک (ارخ باستان) به عنوان مسئله اصلی تحقیق

این محوطه با نام امروزی ورکا در جنوب عراق (ساحل رود فرات) و در ۲۵۰ کیلومتری جنوب بغداد یعنی در قلب تمدن بین‌النهرین یا مزوپوتامیا^۱ قرار گرفته است. اوروک^۲ (فاگان، ۱۹۹۶: ۷۳۵)، بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین شهر واقعی جهان شناخته شده و با اندک تغییراتی از هزاره چهارم ق.م یعنی از سومر تا به امروز با همین نام معروف گشته است. اسم سومری آنو یا اونگ هر چند کمی متفاوت است، ولی در اسامی شاهان سومری چون اوروکاگینا^۳ (بادامچی، ۱۳۹۱) کلمه اوروک کاملاً مشخص شده است. در دوره اکدها که در حدود ۲۳۵۰ ق.م در بخش اعظم خاور نزدیک حکومت داشتند با عناوینی چون ارخو و ارکو این شهر معرفی شده است (روف، ۱۹۹۰). بعد از اکد در میان سایر حکومت‌های سامی مانند آشوریان حتی در دوره آشور جدید همچنان این نام تداوم یافته و حتی در اسامی الهه‌هایی چون ارختیو نیز قابل مشاهده است که در کنار الهه ایشتار از آن‌ها نام برده شده است (ر.ک. کوپن، ۲۰۱۳: ۳۸۰) و شاید به معنای الهه علم و دانش بوده است. در واقع الوركای امروزی اسم مونث همان اوروک است که برخی از محققان نام عراق را نیز اقتباس از واژه اوروک می‌دانند^۴ (هالوران، ۲۰۰۶).

تورات در باب سفر تکوین در ذیل فصل دهم، مدخل انشعاب ملل جهان که مردم جهان را از سه فرزند نوح یعنی سام، حام و یافث قلمداد نموده، چنین بیان کرده است که یکی از فرزندان کوش بن حام شخصی بود به نام نمرود که در تیراندازی بسیار شهره بوده است. در قلمرو فرمانروایی نمرود شهرهای بابل، ارخ، اکد و کلنه وجود داشتند که در سرزمین شنعار واقع شده بودند (تورات، باب سفر پیدایش، فصل ۱۰، ردیف ۸-۱۰). نمرود از پادشاهان آشور جدید است و مدتی بر شهر اوروک نیز فرمانروایی کرده است. نکته جالب این است که مطابق تورات، شهرهای مذکور متعلق به اقوام قبل از اکدها هستند، یعنی ملک شنعار یا همان سومر یا سومر است.

۱. بین‌النهرین نزد یونانیان به نام Mesopotamia معروف است.

۲Uruk

تحلیل باستان‌شناسی سیر تحول واژگان تاریخ... اکبر پورفرج

به‌لحاظ قدمت استقراری شهر اوروک (لیورانی، ۲۰۰۶) از اواخر انقلاب اول یعنی دوره عبید (دوره قصبه‌نشینی) در حدود هزاره پنجم ق.م. مسکونی شده و تا دوره اشکانیان تداوم یافته است. در واقع این محوطه همچون شوش زمانی مسکونی شد که بشر در آسیای غربی نسبت به منابع طبیعی و فرهنگی معرفت عمیقی پیدا کردند. برای مثال با نظام آبیاری آشنا شدند.

هر چند توصیف لایه‌نگاری اوروک از موضوع این مقاله خارج است، ولی شهر اوروک از قدیم به جدید از دوره عبید، دوره اوروک (هزاره چهارم ق.م)، جمدت النصر (آغاز ادبیات)، دوره سلسله‌ها (سومریان) و دوره اکد، آشور جدید، بابل جدید، هخامنشیان و سلوکیان و اشکانیان دارای آثار استقراری و به‌خصوص الواح بایگانی بود. برای مثال در دوره بابل نو که تا زمان کوروش هخامنشی نیز تداوم می‌یابد، الواح بسیار ارزشمندی با موضوعاتی چون تجارت، حاکمیت، انتقال کالاهای اداری و غیره وجود دارد (کلی، ۱۹۱۹). برخی از معابد شهر اوروک در دوره سلوکیان و اشکانیان مجدداً بازسازی شده‌اند (روف، ۱۹۹۰). در برخی از الواح این شهر حتی نام پادشاهان ایرانی، کوروش و داریوش نیز بیان شده است که همین مسئله شهر ارخ را با «آرشیو تاریخی» مترادف کرده است. چنان‌چه بیان شد، هر سه ملتی که امروزه ریشه تاریخ را در آن‌ها جستجو می‌کنیم، یعنی عرب‌ها، ایران و یونان در اوروک دارای اسناد تاریخی هستند.

۵. اوروک و اولین مورخان جهان

نام اوروک و یا ارخ در ادبیات باستان‌شناسی با خط و کتابت و به‌نوعی با واژه تاریخ یا اولین مورخین جهان عجین شده است. چنان‌چه بیان شد اختراع خط و کتابت یکی از مهم‌ترین مشخصات انقلاب شهرنشینی در هزاره چهارم ق.م. در بین‌النهرین و ایران بود. اولین نشانه‌های خط در لایه‌های IV-III معبد مقدس آننا در شهر ارخ کشف شده است. این‌ها اولین نظام نوشتاری جهان باستان بودند که ابتدا به‌صورت خط تصویری^۱ و بعد خط نوشتاری میخی ایجاد شده است که همگی بیانگر ظهور جامعه پیچیده در جهان بود (لیورانی، ۲۰۰۶). آن‌چه

^۱Pictographic

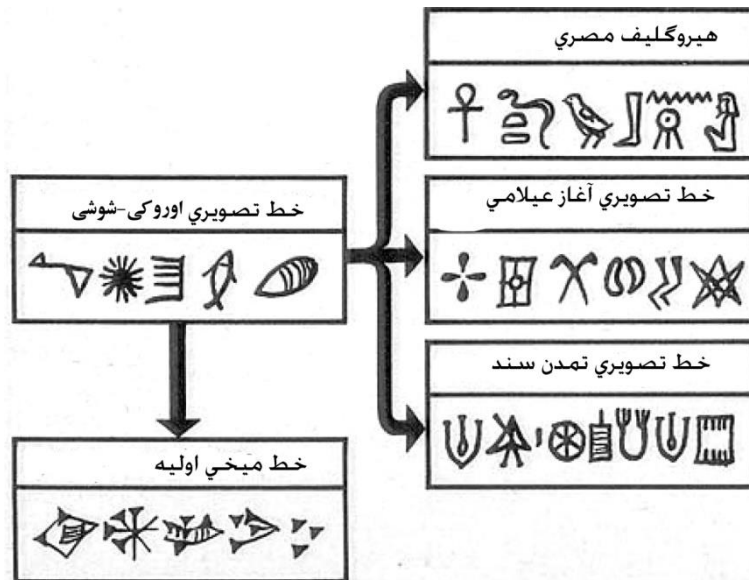
نام شهر ارخ را با کلمات تاریخ و آرخیو یا آرشیو یونانی مرتبط ساخته، وجود بایگانی‌هایی از الواح گلی از حدود ۳۳۰۰ ق.م تا دوره اشکانیان است. قدیمی‌ترین الواح (تبلت‌ها) دارای یک مجموعه کاملی بالغ بر ۷۰۰ علامت هستند (تصویر ۱ و ۲). این‌ها اولین مدارک مکتوب در رابطه با صادرات و واردات تجاری بودند که پیام‌هایی را در مورد مقدار، نوع جنس، هویت و امضای معامله‌کنندگان ارائه می‌کردند (روف، ۱۹۹۰). برخی معتقدند که خود خط و کتابت از نتایج گسترش تجارت بوده و به‌نوعی رابطه علی و معلولی بین تجارت و خط حاکم است. در دوره اوروک علاوه بر مهرها، اثر مهرها و الواح حاوی نام و ارقام کالاها، بایگانی‌های مهم و بزرگی وجود داشتند که شامل مدارک و اسناد پیچیده‌تری بوده‌اند (سید سجادی، ۱۳۸۴: ۹۴-۹۰). الواح گلی در ابتدا فقط حاوی علائم و نشانه‌های مرتبط با تجارت و یا مهرهای مربوط به تاجران و حاکمان بوده‌اند که در حکم گذرنامه و بارنامه‌های امروزی بودند. این علائم به‌تدریج پیچیده‌تر و کامل‌تر شده و در نهایت تبدیل به خط میخی شده‌اند. نحوه به وجود آمدن خط در اوروک و تبدیل شدن آن به مرکز اسناد تجاری، سیاسی و اقتصادی جهان طی مراحل مشخص و همراه با مجموعه‌های مرتبط به‌هم صورت گرفته است. برای مثال عیلامیان جهت انجام یک تجارت بین‌المللی علاوه بر ایجاد لوح‌های تصویری مستند به محتویات معامله، علائم شمارشی در انواع مختلف هندسی و حسابی را ساخته و در داخل گوی (گلوله گلی) قرار می‌دادند و سپس تصاویر و علائم را از طریق مهرهای استوانه‌ای روی آن حک می‌کردند و در مرحله آخر همه را در داخل ظرفی قرار داده و درب آن را مهر و موم می‌کردند که این شیوه حسابرسی در مقاطع زمانی مختلف با تغییراتی مواجه شده است (هیئتس، ۱۳۷۶: ۳۳-۳۶)؛ بنابراین اوروک IV و شوش II آغاز خط و کتابت در جهان است (پاتس، ۱۳۸۵: ۹۵) که امروزه اقوام سومر و عیلام را به عنوان اولین اقوام مکتوب جهان و اولین مورخین جهان می‌شناسند که در ادامه قوم سامی یعنی اکدها بدون تغییر خاصی این سنت را با زبان اکدی ادامه دادند که هنوز بیشتر اصطلاحات علمی- فرهنگی سومریان را با تعصب خاصی حفاظت نموده و زبان سومر را تقریباً به‌طور کامل به زبان خود افزوده‌اند. البته قوم سامی بعدها خط‌های جدیدی چون آرامی و فنیقی را ابداع کردند که تا به امروز خط قاره اروپا و آسیای غربی را تداوم بخشیده‌اند و شاید از حکمت‌های آن دوام ادیان یکتاپرستی در این مناطق بوده است. با این توصیف، ارخ یا شهر اوروک که ریشه تاریخ را در آن جستجو می‌کنیم عمقی بسیار ژرف

تحلیل باستان‌شناسی سیر تحول واژگان تاریخ... اکبر پورفرج

و معنی‌داری یافته است. برای مثال خط میخی سومری-عیلامی را گروهی از سامیان یعنی اکدها رونق و توسعه داده‌اند و خط آرامی و فنیقی را نیز گروهی دیگر از آنها ابداع و گسترش داده‌اند و یونانیان همان خط را پیرایش و زبان علمی جهان آن روز قرار دادند و زبان آرامی نیز پایه و مبنای خط پهلوی اشکانی و ساسانی، نبطی و خط عربی اسلامی گردید (ر.ک. بوتر و ورنانت، ۲۰۰۰). این سیر تحول معنی‌دار نشان می‌دهد که خط تمدنی از سومر تا الان منقطع نشده است. البته چنانچه مدل انتشار تمدن نشان می‌دهد (نمودار ۱)، بسیاری از واژگان و مفاهیم علمی و ادبی جهان از انقلاب شهرنشینی نشأت گرفته‌اند و مفهوم و ریشه واژه ادبیات هم مستثنی از این قاعده نیست و سرنوشتی مشابه واژه تاریخ دارد که حاصل انقلاب دوم یا تمدن عیلامی- سومری منتقل شده به سامی و پارسی است که محققان زیادی را دچار سردرگمی کرده است. کلمه ادوبا^۱ در زبان سومری و بعد از آن اکدی به معنای خانه الواح یا همان کتابخانه است که واژه ایا او به معنای خانه و دب به معنای لوح و صفحه است که در آن مطالب ادبی و امورات معابد ثبت و نگهداری می‌شد (ر.ک. وایت هاوس، ۱۳۶۹: ۱۰۷-۱۲۵). واژه اور نیز که روابط معنایی و شکلی با اوروک دارد، اسم یکی از شهرهای سومری در جنوب بین‌النهرین است و در اول برخی از اسامی پادشاهان آنها مثل اورنامو دیده می‌شود. این واژه در زبان‌های سامی و سایر ملل به معنای شهر مثل اورشلیم نیز استفاده شده است. حوزه گسترش واژه اور نیز تا جنوب شرق آسیا پیش رفته در زبان آن‌ها نیز معنی شهرک و روستا را دارد.



تصویر ۱: لوح‌هایی از شهر ارخ ۱- با خط تصویری و ۲- با خط میخی



تصویر ۲: تکامل خط تصویری اِرخِی - شوشی و نحوه انتشار آن

یکی دیگر از مشخصات شهر ارخ، وجود اولین معابد جهان است که بعدها در قالب زیگورات در اور و چغازنبیل تداوم یافته است. دین در زندگی مردمان عیلام و سومر نقش اساسی و محوری داشته است (بوترو، ۱۳۸۷). بسیاری از تجارت‌های بزرگ برای معابد سازماندهی می‌شد و نکته جالب این است که بیشتر اسامی خدایان و عناصر مقدس آن دوره امروزه در زبان‌های خاورمیانه نیز تداوم یافته است. برای مثال خدای شاماش یا همان شمس، آب یا خدای آبزو و یا الهه ان‌نه (نه نه در معنای مادر بزرگ) که خدای عشق و باروری سومریان بود و در زبان سامیان با نام ایشتار و عبری استر یا ستاره معرفی شده است. در اوروک دو معبد بزرگ وجود داشت که اولی به نام اِنّا متعلق به الهه ان‌نه و دیگری متعلق به آن یا آنو خدای آسمان بود که با سنگ آهک بنا شده بود که نشان از اهمیت آن داشت. معماری این معابد، معیاری برای سایر ادوار تاریخی خاورمیانه و جهان شد که از موضوع این مقاله خارج است (رک. وایت هاوس، ۱۳۶۹). تأثیر سومریان بر قوم سامی اکد در تمام بخش‌های زبانی آن‌ها مشهود است و می‌توان آن را از وام‌گیری واژگان تا همگرایی صرفی، نحوی و واج‌شناسی

تحلیل باستان‌شناسی سیر تحول واژگان تاریخ... اکبر پورفرج

مشاهده کرد (دئوشر، ۲۰۰۷). از این رو پژوهشگران، سومریان و اکدی‌های هزاره سوم ق.م. را ناحیه هم‌گرایی زبانی نامیده‌اند. سومریان حدود ۲۳۰۰ ق.م توسط سامیان به فرمانروایی سارگون اکدی مغلوب شدند، اما زبان آن‌ها به‌عنوان زبانی مقدس و دینی ادامه حیات داد. حاکمیت بومی سومریان مجدداً در قالب سلسله سوم اور (رنسانس سومریان) تداوم یافت که در این دوره زبان سومری-اکدی به‌طور مشترک استفاده می‌شدند. در نهایت منطقه بین‌النهرین به نفع زبان سامیان پیش رفت، ولی تقریباً بیشتر ادبیات سومری را در خود هضم کردند. این مسئله نشان می‌دهد که استمرار فرهنگی بین سومر و اکد کاملاً برقرار بوده و از اکد تا ظهور یونانیان نیز آسیای غربی انقطاع خاصی نشان نمی‌دهد. لذا شهر ارخ همچنان مرکز بایگانی همه این سلسله‌ها از سومر تا اشکانیان باقی مانده است. این مسئله، نظر روزنتال (۲۳:۱۳۶۵) را که قرض گرفتن مستقیم واژه تاریخ از زبان اکدی را غیرممکن می‌دانست، رد می‌کند، چرا که تا دوره اشکانیان و ساسانیان نیز زبان آرامی همچنان زبان اداری خاورمیانه بوده است (ر.ک. کالج، ۱۳۸۳: ۶۶-۵۵).

۶. بحث و نتیجه‌گیری

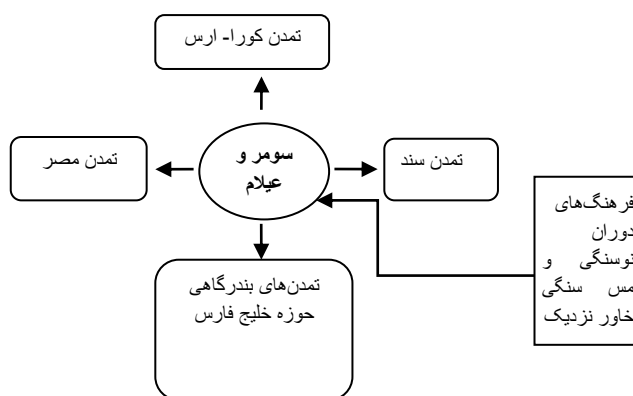
روش تحقیق این مقاله مبتنی بر درک سیر تحول ریشه‌شناسی واژه تاریخ هم‌زمان با درک بستر تاریخی آن بود. ریشه‌شناسی واژه تاریخ نشان می‌داد که ریشه ارخ و یا وَرخ که در زبان‌های سامی ذکر شده‌است از اعتبار بالائی برخوردار بودند و فرض منشایی کلمه در زبان‌های یونان و ایرانی را به‌دلیل وجود ریشه واژه در زبان‌های عربی جنوبی در قالب ارخ و در زبان اکدی با عنوان آرخو (ر.ک. روزنتال ۲۳:۱۳۶۵)، غیرممکن می‌ساخت. این مسئله زمانی بیشتر اهمیت می‌یابد که قدمت فرهنگ و تمدن اکدها را در حدود ۲۳۰۰ ق.م. در نظر بگیریم که بین تاریخ مکتوب اکد و تاریخ مکتوب یونان به لحاظ زمانی شکاف معنی‌داری وجود خواهد داشت که تصور تأثیر فرهنگ متأخر بر فرهنگ متقدم محال است. اگر فرض بالا را بپذیریم، یک قدم به خواسته این تحقیق نزدیک‌تر شده‌ایم، چرا که تمدن سومر از طریق تمدن اکدها تداوم یافته است که پیشتر بیان شد. از طرف دیگر چنانچه فرآیند این تحقیق نشان داد هیچ‌کدام از محققین از نتایج ریشه‌شناسی واژه تاریخ حتی در زبان‌های سامی اقناع نشده‌اند و فرض‌های

خودشان را با شک تردید بیان کرده‌اند. در این مقاله علت شک و تردیدها چنین بیان شد که اساساً این واژه و بسیاری دیگر از واژگان در انقلاب شهرنشینی ایران و بین‌النهرین ریشه دارند که غفلت از آن، بنیاد ریشه‌یابی واژگان جوامع آسیای غربی را دچار مشکل کرده است. واژه تاریخ یک مفهوم صرفاً نظری نیست بلکه از نظر تاریخی مصداق فیزیکی و ملموس داشته است. این مصداق همان شهر ارخ در هزاره چهارم ق.م است که ابداع‌کننده اولین خط بشری و ایجاد‌کننده مفهوم تاریخ یا اسناد مکتوب بشری بود. در واقع اولین پایه شکل‌گیری تاریخ و حتی زاده شدن لفظ تاریخ با شهر ارخ رابطه‌ای بسیار ملموس و مستندی دارد. این شهر که ابداع‌کننده بسیاری از عناصر تمدنی جهان است، در اذهان مردمان آسیای غربی بن مایه واژگان زیادی در رابطه با شهر و تمدن شده است. لذا نام ارخ یا اوروک در قالب کلمات هم خانواده‌ای چون «ارک» به معنای طاق و قلعه، «اریکه» یعنی قدرت و تختگاه، «ارخیو یا آرشیو» در یونانی به معنای باستان و محل بایگانی اسناد مهم اداری و در نهایت «ارخ یا تاریخ» یعنی محل اولین مکتوبات بشری و اسناد زمان‌دار مورد استفاده قرار گرفته است. چرایی این مسئله را باید در انقلاب شهرنشینی جستجو نمود که بسیاری از ابداعات و اختراعات و حتی اصطلاحات جهان امروز ریشه در آن دارد. نفوذ واژگان مرتبط با انقلاب صنعتی از قرن هجدهم میلادی به بعد قابل‌مقایسه با انقلاب شهرنشینی است که با وجود مقاومت فرهنگ‌های بومی هنوز قادر به حذف هجدهم‌ای از واژگان آن نشده‌اند. پس شهر ارخ به دلیل نمادین بودن، در قالب چندین معنا و مفهوم مختلف بکار رفته است که بی‌ارتباط با واقعیت‌های تاریخی این شهر نبوده است. این مسئله با نمادگرایی انسان رابطه معنی‌داری دارد چراکه آنچه یک فرهنگ را از فرهنگ دیگر متمایز می‌سازد، نمادها هستند. نمادگرایی یک شی یا اثر باستانی را معمولاً به صورت مفاهیم ثانویه تعریف می‌کنند که فراتر از کاربرد یا عملکرد اصلی آن شی است؛ بنابراین تبر ممکن است برای قطع درخت استفاده شود (یعنی مفهوم اصلی یا مفهوم «علامتی» تبر است)، اما مفهوم ثانویه آن می‌تواند به نیرو یا قدرت کشاورزی مردمی که از آن استفاده می‌کنند اشاره داشته باشد. لذا تبر می‌تواند «علامت» یک گروه خاصی قلمداد شود (ر.ک. هادر، ۱۳۹۰). براین اساس، اسم شهر ارخ نیز نمادی برای برخی مفاهیم تمدنی همچون تاریخ، ارک، اریکه، آرشیو و ارکو و غیره شده بود که با توجه به روابط معنایی و اجتماعی - سیاسی مشترکی که دارند از همین کلمه اوروک منشعب گشته‌اند. واژگان زیادی مشابه واژه تاریخ همچون

تحلیل باستان‌شناسی سیر تحول واژگان تاریخ... اکبر پورفرج

مادر، پدر، نه‌نه، من (سنگ وزنه)، نفس، شهر (اور) و غیره امروزه مستقیم و غیرمستقیم از زبان سومری-عیلامی وارد زبان‌های اکدی و بعدها پارسی شده‌اند، ولی به دلیل کم رنگ بودن روابط میان‌رشته‌ای هزاران فرضیه‌سازی نادرست در مورد آنها شده است. واژه تاریخ از ریشه ارخ با تلفظ خاص سامی‌زبانان که در تورات نیز آمده است، بیانگر شهر باستانی اوروک یا ارخ باستان است. یافته‌های باستان‌شناسی از نگاه نمادگرایی (هادر، ۱۳۹۰) نشان می‌دهد که معنای واژه تاریخ در یونانی ارخیو یا همان آرکتولوژی به معنای باستان‌شناسی و شناخت گذشته و یا در دوره اسلامی ارخ به معنای اصلی خود یعنی تاریخ یا بیان وقایع و رویدادهای گذشته با داده‌های مکشوفه در شهر ارخ مطابقت دارد، چرا که ارخ اولین شهری است که در آن خط تمام مراحل را از تصویری تا میخی نوشتاری طی کرده است و برای اولین بار بشر توانست سرگذشت خود را مقید به زمان کرده و آن را ثبت نماید. از طرف دیگر ارخ تا دوره اشکانیان محل بایگانی جهان آن روز بوده که واژه آرخیو یا آرشیو یونانی نیز دقیقاً با آن مطابقت دارد. از دیگر مشتقات این واژه، کلماتی تقریباً مشابه همچون ارک یا ارکیو، اریکه و اروق است که در جوامع مختلف به معنای قلعه، قدرت، طاق هلالی و خاندان مصطلح شده است. همه این واژگان رابطه معنی‌داری با ماهیت داده‌های شهر ارخ دارند. در شهر ارخ و سایر شهرهای هم‌زمان چون شوش برای اولین بار جامعه پیچیده و حکومت به وجود آمد و ارک یا قلعه در این دوره شکل گرفت که دیوار دفاعی یا ارک ارخ بارها در حماسه گیل‌گمش ستوده شده است. جامعه پیچیده با سلسه مراتب اجتماعی و استقرار تعریف می‌شود که اریکه نیز حکایت از آن دارد. از طرف دیگر ساخت طاق هلالی و ارک از مشخصات مهم انقلاب شهرنشینی است که در اوروک نمودی تام دارد. اوروک از جمله شهرهایی است که بر معماری جهان تأثیر گذاشته است و بهبود نیست که یونانیان متعصب به معماری خود سه تا از هفت عجایب معماری جهان مانند باغ‌های معلق بابل و دوازه ایشتار و اهرام جیزه را بعد از گذشت قرن‌ها از افول‌شان در آسیای غربی مشاهده کرده‌اند. اریکه و قلعه‌نشینی یعنی قدرت و تختگاه نیز از تبعات انقلاب شهرنشینی است که هنوز واژگان چون ارخون در یونانی، اریکه در فارسی و اروق در ترکی می‌توانست آن را نشان دهد؛ بنابراین چنان‌چه بیان شد به‌لحاظ نمادگرایی تمام این مفاهیم باهم روابط معنایی داشته و به‌صورت گروهی از واژگان هم‌ریشه و هم‌معنا در جهان مصطلح شده و تا امروز دوام آورده‌اند که همگی در شهر اوروک مصداق عینی داشته‌اند.

برای درک شهر اریخ لازم است که جایگاه سومر در مدل انتشار تمدن تبیین گردد. نحوه انتشار تمدن در جهان براساس تحقیقات و یافته‌های باستان‌شناسی براساس مدل زیر (نمودار ۱) تا حدودی قابل تبیین است. چنان‌چه در مدل مشاهده می‌شود تمدن سومر و عیلام (انقلاب دوم) ابتدا تحت تأثیر فرهنگ‌های دوران نوسنگی و مس سنگی (انقلاب اول) شکل گرفته و بعد تمدن‌هایی چون مصر و سند از طریق آنها ایجاد و توسعه یافته‌اند. البته در اینجا فقط بخشی از لایه نخست نشان داده شده است که در لایه‌های بالاتر به نوبه خود تمدن مصر تمدن یونان، تمدن سومر تمدن اکد و تمدن عیلام تمدن هخامنشی را ایجاد کرده و تا به لایه‌های جدیدتر ادامه یافته که از موضوع این مقاله خارج است.



نمودار ۱: مدل انتشار اولین تمدن‌های جهان

منبع: نگارنده

منابع

- آرلاتو، آنتونی (۱۳۸۴). *در آمدی بر زبان‌شناسی تاریخی*، ترجمه دکتر یحیی مدرسی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- آئینه وند، صادق (۱۳۶۴). *علم تاریخ در اسلام*، تهران: نشر وزارت ارشاد اسلامی.
- بوترو، ژان (۱۳۸۷). *مذهب در بین‌النهرین باستان*، ترجمه خشایار بهاری، تهران: نشر فرزین.
- پاتس، دنیل. تی (۱۳۸۵). *باستان‌شناسی ایلام*، ترجمه زهرا باستی، تهران: نشر سمت.

تحلیل باستان‌شناسی سیر تحول واژگان تاریخ... اکبر پورفرج

- تکمیل همایون، ناصر (۱۳۶۶). درآمدی به واژه‌های باستان‌شناسی و تاریخ، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، ش دوم، سال اول، صص ۵۰-۵۶.
- جها، ماکهان (۱۳۸۲). مقدمه‌ای بر مکاتب انسان‌شناسی، مترجم سید محسن سعیدی مدنی، یزد: نشر دانشگاه یزد.
- حسن دوست، محمد (۱۳۷۵). در باره چند لغت یونانی دخیل در زبان فارسی، نامه فرهنگستان، ش ۸.
- روزنتال، فرانتس (۱۳۶۶). تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام، ترجمه اسداله آزاد، مشهد: نشر آستان قدس رضوی.
- سید سجادی، سید منصور (۱۳۸۴). نخستین شهرهای فلات ایران، جلد اول، تهران: سمت.
- عودی، ستار (۱۳۸۰). مدخل تاریخ و تاریخ‌نگاری: واژه‌شناسی، دانشنامه جهان اسلام، جلد ۶، ص ۳۰۵۶.
- عسکری خانقاه، اصغر و محمد شریف کمالی (۱۳۸۰). انسان‌شناسی عمومی، نشر سمت.
- کالج، مالکوم (۱۳۸۰). اشکانیان (پارتیان)، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: هیرمند.
- کرافورد، هریت (۱۳۸۷). سومر و سومریان، ترجمه زهرا باستی، تهران: نشر سمت.
- لغت نامه دهخدا (۱۳۹۵)، قابل دسترسی در:
<http://www.vaiehyab.com/?q=%D8%A7%D9%88%D8%B1%D9%88%D9%82>
- مصطفی، شاکر (۱۹۸۳). التاريخ العربی و المورخون، ج ۱، بیروت: دارالعلم للملایین.
- میتن، استون (۱۳۹۰). حوزویت ذهن، کالین رنفریو و پل بان، مفاهیم بنیادی در باستان‌شناسی، مترجمین اکبر پورفرج و عدیلی، تهران: نشر سمیرا. صص ۲۷۶-۲۸۲.
- مسکل، لین (۱۳۹۰). باستان‌شناسی اجتماعی، کالین رنفریو و پل بان، مفاهیم بنیادی در باستان‌شناسی، مترجمین اکبر پورفرج و عدیلی، تهران: نشر سمیرا.
- وایت هاوس، روث (۱۳۶۹). نخستین شهر، ترجمه مهدی سحابی، تهران: نشر فضا.
- هادار، این (۱۳۹۰). باستان‌شناسی نمادین و ساختارگرا، کالین رنفریو و پل بان، مفاهیم بنیادی در باستان‌شناسی مترجمین اکبر پورفرج و عدیلی، تهران: نشر سمیرا، صص ۴۰۳-۴۰۹.

- هینس، والتر (۱۳۷۷). *دنیای گمشده ایلام*، ترجمه فیروز فیروزنیا، شرکت انتشارات علمی فرهنگی.

- Bottero, Jean and J.Pierre Vernant (2000). *Ancestor of the West: Writing, Reasoning, and Religion in Mesopotamia, Elam, and Greece*, the University of Chicago Press, Chicago.
- Bottero, J. (2001). *Everyday Life in Ancient Mesopotamia*, JHU Press.
- Child, V.G. (۱۹۳۶). *Man Makes Himself*, London: Watts.
- Clay, A.T (1919), *Neo-Babylonian Letters From Erach*, New Haven: Yale University Press.
- Deutscher, Guy (2007). *Syntactic Change in Akkadian the Evolution of Sentential Complementation*, Oxford University Press.
- Fagan, B.F. (1996). *The Oxford Companion to Archaeology*, New York: Oxford university Press.
- Halloran, J. Alan (2006). *Sumerian Lexicon: a Dictionary Guide to the Ancient Sumerian Language*, Los Angeles, Logogram Publishing.
- Koppen, F. van (2013). "Abiesuh, Elam, Ashurbanipal: New Evidence from Old Babylonian Sippar", Katrien De Graef and Jan Tavernier (eds.), *Susa and Elam, Archaeological, Philological, Historical and Geographical Perspectives*, (Leiden/Boston: Brill), pp. 377-397.
- Liverani, Mario (2006). *Uruk: the First City*, London: Equinox Publishing.
- Nardo, Don (2007). *Ancient Mesopotamia*, Greenhaven Press.
- Petrie, C. A. (2002). *Seleucid Uruk: An Analysis of Ceramic Distribution*, Iraq, Vol. 64, pp. 85-123.
- Roaf, M. (1990). *Cultural Atlas of Mesopotamia and the Ancient Near East*, New York: Oxford.
- Starostin, G. S. (2002). "On the Genetic Affiliation of the Elamite Language", *Mother Tongue*, v. VII, pp. 147-170.

پی‌نوشت‌ها

-
- ۱ Modularity of Mind
 - ۲ Steven Mithen
 - ۳ Neolithic Revolution
 - ۴ Urban Revolution
 - ۵ Industrial Revolution
 - ۶ Middle East and North Africa منظور کشورهای حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا است
 - ۷ istoria
 - ۸ arku [GÍD.(DA) : 𒀭𒌷𒍪𒌷 (𒀭𒌷𒍪𒌷)]
 - ۹ <http://www.assyrianlanguages.org/akkadia>
 - ۱۰ Archaeology
 - ۱۱ archaeo-, archeo-, archae-, arche-, archa-, archi-, -arch
 - ۱۲ <https://en.wikipedia.org/wiki/Archon>, ۲۰۱۶
 - ۱۳ Urukagina
 - ۱۴ <http://www.etymonline.com/index.php.term=Iraq>
 - ۱۵ Edubba
 - ۱۶ Eanna

Achaemenid civilization and we have heired it today. The root of the word tarikh is associated with a set of words that has happened in the Near Eastern urban revolution.

Akbar Pourfaraj

Abstract

So many researches has been conducted about the word 'Tarikh' (History) which consist the etymology and the way of showing up of this term in the cultural-scientific literature of Islam world. There is a large variety of views about the roots and concepts of the history word. Some researchers believe that this word belongs to the Semitic languages and some other express that it belongs to Iranian and Greek languages, but most of the researchers are suspicious about its origin. based on the archaeological data the root of this word belongs to ancient erech (A city of urban revoloution). Akkadians barrowed rhis word from Sumerians and introduced it to the world. The Civilization heritage of Sumer and Elam has been protected by the Achaemenid civilization and we have heired it today. The root of the word tarikh is associated with a set of words that has happened in the Near Eastern urban revolution.

Keywords :Analysis, word, Tarikh, archaeology, Uruk

a.pourfaraj@gmail.com